

# جوانان حکمتیست ۸۱

۱۳۸۶ - ۲۵ اسفند ۱۳۸۶

چهارشنبه‌ها منتشر می‌شود!

foadsjk@gmail.com

سردبیر: فواد عبداللہی

## سه سال گذشت!

فواد عبداللہی

۸۴ نفر از کارگران یک کارخانه در بغداد را یکجا در مقابل در کارخانه با شلیک تیر خلاص اعدام کردند. خشونت‌های فرقه ای عراق ۱۳۰ کشته برجا گذاشت، اجساد هجده نفر در مینی بوسی در بغداد یافت شد، مردان مسلح ۵۰ نفر را در بغداد ربودند، در عراق ۱۳ نفر به اتهام فعالیت تروریستی اعدام شدند، ۴۶ نفر در انفجارهای بغداد کشته شدند، کشف اجساد بیش از ۸۰ نفر در ۲۴ ساعت گذشته در بغداد... این گوشه ناچیزی از سیکل مرگباری است که هر روزه طی گذشت ۳ سال از جنگ آمریکا علیه عراق صدها و هزاره‌ها تکرار می‌شود. هر انسانی در هر جای دنیا، مستقل از ملیتش، باید بداند که برقراری "دموکراسی آمریکایی" بهانه و زمینه‌ای برای عروج یک وضعیت ارتجاعی بیسابقه در مقیاس جهانی و یک جنگ خونبار تاریخی فراهم کرده است، که باید جلوی چماق‌داری و جینگویسم را گرفت و مانع تحقق بیشتر مصیبت آوارگی، بی‌خانمانی و دورنمای سیاه جنگ شد، همه باید فهمیده باشند که رسانه‌های بورژوازی غربی نو کردند، که انسانیت نفعی در گوشمالی عراق (و احتمالاً فردای ایران) توسط آمریکا نداشته و ندارد، که سیاست تحریم اقتصادی و به گروگان گرفتن نان و آب و داروی مردم و به فلاکت و استیصال کشاندن جوامع انسانی، بربریتی است که آمریکا به بشریت تحمیل می‌کند. باید مردم بدانند که نباید از حمله آمریکا خوشنود شد به حساب اینکه رژیم‌های "دیکتاتور" را در دنیا تضعیف میکند، که همه دیکتاتورهای دنیا تحت حمایت خودش بقدرت رسیدند. نظم نوین جهانی برای بزیر لگام کشاندن هر حرکتی است که منافع آمریکا را بخاطر اندازد.

بگذارید مردم، خود تکلیفشان را با حکومت‌های حاکمه شان روشن کنند. بگذارید مردم مستاصل نشوند و خود قیام کنند و انتخاب کنند. بگذارید مردم سران رژیم‌های نکبت‌بار را خود دادگاهی کنند. مردم با ما علیه سیاهی و کثافت پیروز می‌شوند.

سر مقاله

## گام بعدی در هشت مارس

کارن دیبا

مراسم هشت مارس امسال جدا از سبندج رویکرد تا حدودی متفاوت نسبت به سالهای گذشته در بقیه شهرها داشت. در کل اگر تاریخچه این روز را در سالهای اخیر در نظر بگیریم می‌بینیم که هشت مارس در چهار یا پنج سال پیش به شکلی کنترل شده و با مجوز از ارگانهای امنیتی جمهوری اسلامی در محل‌های مختلفی مانند پارک لاله برگزار می‌شد. در اواخر ریاست جمهوری خاتمی این "مجوز" و در واقع "حق" از زنان و فعالان اجتماعی گرفته شد و این فعالان تا قبل از امسال به برگزاری هشت مارس در خفا و محیط‌های سر بسته روی آورده بودند.

اما امسال قضیه به کلی فرق داشت. چندین کانون علنی بدون اینکه مجوزی برای این کار از نهادهای سرکوبگر جمهوری اسلامی نظیر وزارت کشور بگیرند با هم فراخوانی را برای تجمع به مناسبت هشت مارس در پارک دانشجو دادند و این نشان از این مسئله دارد که فعالان زنان اعم از فمینیست‌های صرف تا کمونیست‌ها خواهان رویکردی اجتماعی برای این روز و مطرح کردن معضلات حقوقی و اجتماعی و اقتصادی زنان هستند.

این خود می‌تواند نقطه امید در تاریخ برگزاری هشت مارس در ایران باشد. به واقع همبستگی و برگزاری هشت مارس در ایران تنها از راه همکاری تشکلهای اجتماعی می‌گذرد و این ضرورت خوشبختانه توسط شخصیت‌های جنبش زنان به خوبی درک شد و به ظهور علنی در هفده اسفند رسید. رژیم جمهوری اسلامی این تجمع به اصطلاح "آرام" که در حقیقت "آرامشی قبل از طوفان" بود را در هم شکست. با باتوم ←



## ۸ مارس در ایران گوشه ای از قدرت جنبش برابری!

رژیم اسلامی برای مقابله با برگزاری مراسم‌های ۸ مارس به قصد ایجاد فضای رعب و وحشت، دستگاه سرکوبش را بکار گرفت. تلاش کرد با گسیل اوباش مسلح به خیابانها و مراکز تجمع مردم، جامعه را مرعوب کند، تلاش کردند که روز جهانی زن را به "سلامت" سپری کنند. بعد از مدت‌ها که نفس سران ریز و درشت رژیم اسلامی در سینه حبس بود، اما نه ایجاد فضای نظامی، نه تهدید و ارباب کار ساز نشد، سرانجام جنبش انسانی و برابری طلب بار دیگر گوشه ای از قدرت خود را به نمایش گذاشت. بار دیگر مردم حکم همیشگی خود را در روز جهانی زن اعلام کردند. بار دیگر زیرسرنیزه‌های خفقان و استبداد اوباشان اسلامی، حکم آزادی و برابری را اعلام کردند. این هنوز گوشه کوچکی از قدرت جنبش آزادیخواهی و برابری طلب بود. این هنوز نوری در تاریکی است. هراس رژیم از قد علم کردن جنبش برابری طلبانه زنان، با هر تعبیری، نمایان بود، دست به خشونت زدند، کتک کاری کردند و در تهران به تجمع هشت مارس بیرحمانه حمله بردند. به مناسبت ۸ مارس، هزاران مرد و زن آزادیخواه در سراسر ایران در تجمعات کوچک و بزرگ به میدان آمدند، خواهان لغو آپارتاید جنسی، خواهان لغو ستم و تبعیض بر زنان، خواهان لغو قوانین اسارت بار علیه زن، خواهان آزادی زندانیان سیاسی و رهبران کارگران در بند شرکت واحد، خواهان لغو حجاب اجباری، خواهان رفاه و برابری کامل زن و مرد و در یک کلام خواهان برچیدن بساط کشتار و تبعیضات اسلامی شدند.

## دانشگاه، گورستان نیست!

اطلاعیه سازمان جوانان کمونیست - حکمتیست ۳ص

## با رهبران حزب

با رحمان حسین زاده ۲ص

## چهارشنبه سوری، جشن یا مبارزه؟

علی راستین ۲ص

## نوروزتان پیروز!

کوروش مدرسی ۴ص

## جلوه ای از جنبشی انسانگرا و انقلابی زنانه

اعظم کم گویان ۴ص

# زنده باد آزادی! زنده باد برابری!

# با رهبران حزب



**جوانان حکمتیست:** پرونده هسته ای جمهوری اسلامی بعد از کشمکش هایی که در این ماه ها شاهدش بودیم بالاخره به شورای امنیت ارجاع داده شد. این مساله در درجه اول نتیجه چه کشمکشی بود؟ در حال حاضر توازن قوا به نفع کدام سو (جمهوری اسلامی، امریکا و اروپا) برده شد؟ و اینکه در حال حاضر شما به عنوان حزب حکمتیست چه وظیفه ای را در مقابل جامعه حس می کنید؟

با پادویی تونی بلر نهایتا به سیاست آمریکا تمکین کردند. آمریکا به هدف اولیه خود رسیده است. این انعکاس قلدر منشی و سرگردنه بگیری آشکار دولت آمریکا و تداوم دکترین نظم نوین جهانی است. مشابه همان سیاست زورگویی در جنگ اول خلیج به بهانه اشغال کویت توسط رژیم عراق و یا حمله نظامی به عراق به بهانه سلاح کشتار جمعی است. امروز بشریت در ابعاد وسیع و صدها میلیونی متوجه شده "اشغال کویت" و "سلاح کشتار جمعی و سرنگونی صدام

رحمان حسین زاده: ارجاع پرونده هسته ای ایران به شورای امنیت هدف اعلام شده آمریکا و نتیجه پافشاری این دولت بود. از مدتها قبل آمریکا میخواست پرونده هسته ای ایران به شورای امنیت کشانده شود. تا راه برای تحمیل سیاست شناخته شده و ضد انسانی تحریم اقتصادی و جنگ و دخالت نظامی هموار شود. مدتها اروپا سیاست دیگری را در پیش گرفت. راه دیگری را میرفتند. سه کشور اروپایی زنجیره دیالوگ و مذاکراتی را با جمهوری اسلامی در پیش گرفتند و امروز احتمالا

تلویزیونی به کل متفاوت است. یکی به دنبال پیگیری هر روزه خواسته های رادیکال زنان در سطح جامعه است و به اجتماعی شدن فکر می کند و از در پستو پیچیدن تن می زند و آن یکی تنها فریاد می کشد و بعد هم تا هشت مارس بعدی صدایش در نمی آید.

به جان جمع کننده گان افتاد. اما دقیقا ضعف خود را در تقابل با جنبش زنان به خوبی نشان داد. ممکن است گفته شود که در آن روز در پارک دانشجو به آزادی هر سه نفر یک پلیس و نیروی اطلاعاتی و امنیتی در محل حضور داشت. این درست است اما این نشان از قدرت یک رژیم نیست بلکه دقیقا ترس از همه گیر شدن این خواسته ها و عمومی شدن بیشتر اعتراضات حتی در چهره تک تک نفرات نیروهای انتظامی و شبه نظامی دیده می شد.

نیاز امروز زنان متشکل عمل کردن و بخشیدن شبکه به خیل عظیم زنان ستم دیده توسط مردسالاری امروز است که نمود عینی آن را در برگزاری امسال هشت مارس تهران شاهد بودیم. هر چند شاید تعداد نفرات ده ها هزار نفری به خیابان نیامدن اما این نشان از ضعف در اصل جنبش و نوع فعالیت نیست. اتفاقا این حرکت نشان داد که جمهوری اسلامی چقدر در برخورد با این جنبش مشکل دارد که از قدم اول آخرین گام را بر می دارد.

دقیقا موضعی که زنان در این روز و برای برگزاری هشت مارس اتخاذ کردند صحیح بود و توانستند چهره علنی از مبارزه ای بیست و چهار ساعته علیه زن ستیزی ذاتی اسلام سیاسی را نشان بدهند. این تجمع با تجمعی مشابه که توسط تلویزیونهای لس آنجلسی و نیروهای مخفی و کانونهای مخفی تر ساپورت می شد از بیخ و بن متفاوت بود.

نتیجه این روز نشان از در راه درست گام برداشتن جنبش زنان. ضرورت رادیکال تر شدن هر چه بیشتر شعارها و نیاز به سازمانی قدرتمند و اجتماعی دارد و باید باز به بازوهایی که ما را به اینجا رساندند قدرت بخشید تا به اهداف هر چه زودتر رسید.

پا گذاشتن وسط میدانی که با اسم و رسم شبکه ای متشکل از زنان شکل گرفته بود با فراخوان دادن و قیل و قال اینترنتی و پیگیری توسط شوهای

زنده باد هشت مارس

دیکتاتور" نه تنها کوچکترین ربطی به منافع مردم نداشت، بلکه گانگستر بازی جهانی آمریکا و سناریوی سیاه عراق از پیامدهای مستقیم هژمونی طلبی آمریکا در سطح جهان بود. در همین کانتکست ماجرای هسته ای ایران را علم کرده اند و "دلسوزیهای" ادعایی آمریکا و غرب در قبال مردم ایران پوچ است و نمونه تجربه شده آن در عراق جلو چشم جهانیان است. اتفاقا دخالت آمریکا و تهدیدات نظامی آن مستقیما به مبارزه ما و مردم ایران برای انداختن جمهوری اسلامی لطمه میزند. همین درجه از فضا سازی نظامی و قلدری و احتمال جنگ دست جمهوری اسلامی را برای اعمال فشار علیه جامعه و مبارزه از پایین مردم باز کرده است. بویژه هر درجه دخالت نظامی و جنگ عمر جمهوری اسلامی را طولانی تر و ارتجاع اسلامی را به هم فشرده تر میکند. کار مردم را برای سرنگونی جمهوری اسلامی مشکل تر میکند. زندگی و مدنیت جامعه ایران و مبارزه سر راست مردم ایران برای سرنگونی این را میطلبد که دست آمریکا از سر مردم ایران کوتاه شود. در جواب به بخش دوم سوال تان در شرایط حاضر و تا آنجا که به مانورهای دیپلماتیک بین المللی و از این بعبعد در کردورهای شورای امنیت بر میگردد، واضح است تناسب قوا به نفع زورگویی آمریکا و علیه جمهوری اسلامی است و من فکر نمیکنم غرولندهای روسیه و چین هم به جایی برسد. احتمال تحریم اقتصادی و دخالت گری نظامی آمریکا و متحدانش با تایید شورای امنیت بسیار بالا است. اما این تمام قضیه نیست. مشکل آمریکا و متحدانش زمانی شروع میشود، که اگر بخواهند به طور عملی دست به اقدام نظامی بزنند. در مقایسه با مقطع جنگ عراق فاکتورهای متعددی دامنه عمل آمریکا را بسیار محدود میکند. جمهوری اسلامی دارای اهرم اعمال فشار و مقابله بیشتتری است. طراحان و استراتژیستهای نظامی پنتاگون به پیروزیشان در این جنگ اطمینان ندارند. در چنین فضایی تشخیص تناسب قوا بعدی که ایجاد میشود ساده نیست. آنچه مسلم است منطقه به کام یک جنگ ضد مردمی ویرانگر سوق داده میشود.

افروزی آمریکا، "دست آمریکا از سر مردم ایران و دنیا کوتاه" تلاش میکنیم. از طرف دیگر خطر جنگ جدی است. چنین اتفاقی کل منطقه را در بی ثباتی بی نظیری فرو میبرد. منافع دو طرف این جنگ مستقیما علیه مردم و جامعه ایران است. تا آنجا که به مردم ایران مربوط است جمهوری اسلامی هسته ای و یا غیر هسته ای باید برود و سرنگون شود. این را ما و مردم زمانی اعلام کردیم که همین کشورهای غربی زیر بغل جمهوری اسلامی را گرفتند و کمک کردند سر پا بماند. سرنگونی فوری جمهوری اسلامی حول منشور سرنگونی جمهوری اسلامی نه تنها راه نجات مردم ایران از شر جمهوری اسلامی است بلکه همزمان موثرترین ابزار جلوگیری از جنگ و سناریوی سیاهی است که در شرف وقوع است. آزادی و امنیت و مدنیت مردم ایران و جلوگیری از تحمیل سناریوی کنونی عراق بر ایران این ضرورت را میطلبد. برای اینکار باید متحد و متشکل شد. حزب اعمال قدرت و سرنگون کردن جمهوری اسلامی را به میدان آورد. گارد آزادی را وسیعا در محلات و شهرهای ایران سازمان داد. حزب حکمتیست و گارد آزادی ابزار و اهرمهای اینکار را تقویت کرد و سرنگونی فوری جمهوری اسلامی را ممکن کرد.

**نه قومی، نه مذهبی! زنده باد هویت انسانی!**

# چهارشنبه سوری، جشن یا مبارزه؟

علی راستین

در سالهای گذشته شاهد این موضوع هستیم که برخی سکت های ماجراجوی سیاسی که خود را مخالف جمهوری اسلامی می دانند، از مناسبت های مختلف که ذاتا نمی تواند هیچگونه بار مبارزاتی و سرنگونی طلبانه ای را نمایندگی کند، به عنوان حربه ای برای بیان فرصت طلبی شان استفاده می کنند. در این میان چهارشنبه سوری، سیزده بدر و حتی شب یلدا به عنوان آکسیون هایی علیه جمهوری اسلامی تبدیل می شود. در حال حاضر چهارشنبه سوری چیزی است که این سکتها سعی می کنند روی آن مانور دهند. برای مثال سازمان مجاهدین خلق در تلویزیون سیمای آزادی یک سری برنامه با نام "گر گرفتن" را راه انداخته است که نزدیک به سه هفته است سرباز بیچاره قرارگاه "اشرف" را نشان می دهد که باید از روی آتش بپرند و شعار "مرگ بر رژیم دجال خمینی" را سر بدهند. اپوزوسیون ناسیونالیسم ایرانی هم اعم از چپ و راست هم جشن چهارشنبه آخر سال را به ظاهر با یک آکسیون سرنگونی طلبانه تبدیل کرده است و برخی از آنها کار را به جایی رسانده اند که بوی انقلاب را از چهارشنبه سوری استنشام می کنند.

ولی حال باید ببینیم که چهارشنبه سوری خودش چیست و ما به عنوان یک سازمان کمونیستی چه سیاستی را در قبال این روز می توانیم داشته باشیم. چهارشنبه سوری یک جشن ایرانی سنتی است. اما در سال های گذشته این جشن از حالت سنتی خود کاملاً جدا شده و تابع فرهنگ جدیدی شده است. چهارشنبه سوری دیگر آن جشنی نیست که افراد با لباس محلی "سرخ تو از من" و... را می خوانند و آخر شب به قاشق زنی می پردازند. اگر در چهارشنبه آخر سال سری به گیشا، اکباتان، هفت حوض، شهرک و... بزنید، چیزی از رسم و رسوم "افتخار برانگیز" ایرانی نمی بینید. چهارشنبه سوری تبدیل به جشنی شده است که جوانان اعم از دختر و پسر در آن دور هم جمع شده اند، می رقصند و نارنجک منفجر می کنند. و به راحتی به جای بوی انقلاب، بوی الکل را می توانید در فضا استنشام کنید! نکته طنز هم اینجاست، چیزی که در جشن آتش ایرانی کمتر مورد توجه است خود آتش است. این همان چیزی است که در چهارشنبه سوری اتفاق می افتد و نه بیشتر. و ما نهایتاً در این روز می توانیم به جوانان بگویم که شاد باشید، برقصید و در صورتی که بسیج یا نیروی انتظامی قصد به هم ریختن جشن شما را داشت این اجازه را به آنها ندهید. که البته این موضوع هم مخصوصاً در دو سال گذشته منتفی شده است و نیروی انتظامی هیچ کاری با جشن ها و شادی مردم ندارند. حتی امسال شهرداری تهران پیشدستی کرده است و در میادین اصلی شهر، فرهنگسراها و پارکهای بزرگ خود اقدام به راه اندازی این جشن کرده است. انتظار بیش از این داشتن از چهارشنبه سوری، و استنشام رنگ و بوی انقلاب از آن تنها از عهد سکت های مهجوری بر می آید که نمی تواند خصوصیات جامعه ایران را تحلیل کند. و از طرف دیگر نشانگر دور بودن، و در عین حال بی مسوولیتی آنان و از همه مهمتر بی برنامهگی آنها در تحولات ایران را نشان می دهد.

چهارشنبه سوری یک جشن است. و حتی ذکر این نکته که ما با جشن با جمهوری اسلامی مبارزه می کنیم به نظر من نمی تواند بار معنایی خوبی داشته باشد. اگر شاد بودن به معنای مبارزه با جمهوری اسلامی است که مردم ایران که بیش از بیست و پنج سال است که دارند این مبارزه را انجام می دهند و جمهوری اسلامی هم از جایش تکان نخورده است. من این را می فهمم که جمهوری اسلامی یک حاکمیت کثیف ایدئولوژیک اسلامی است که با شادی، خندیدن، رقص و هر چیزی که رنگ و بوی انسان و زندگی را می دهد مخالف است. اما راه مبارزه با آن الزاماً خطی نیست. منظورم این است که هر آدم عاقلی این را می داند با رقص، خنده و شادی کردن می توان لحظات خوشی را داشت، اما از کنارش سرنگونی جمهوری اسلامی ای که با سپاه و انصار و پلیسش ایستاده است، بیرون نمی آید. اگر چنین چیزی کارساز بود بلشویک ها به جای فتح کاخ زمستانی کلاس رقص دایر می کردند! بنابراین این چهارشنبه سوری جشنی است که مردم (از همه طبقات) نه برای مبارزه، بلکه برای

## دانشگاه، گورستان نیست!

اوباش بسیجی به رهبری سعید حدادیان (از مداحین) در روز دوشنبه بیست و دوم اسفند ماه، در دانشگاه صنعتی شریف اقدام به دفن تعدادی استخوان که از کشته شدگان جنگ (متعلق به بیست سال پیش) ایران و عراق بودند، کرده اند. تعداد زیادی از اوباش بسیجی و انصار حزب الله را که دانشجو هم نبودند را در یک حرکت سازمانیافته به دانشگاه گسیل کرده بودند. که این اقدام با مقاومت جانانه دانشجویان اعم از دختر و پسر روبرو می شود. به طوری که فضای دانشگاه شریف متشنج می شود. دانشجویان به دفتر رئیس دانشگاه حمله می کنند و شیشه های آن را می شکنند. کلاس های دانشگاه تعطیل شده و دانشگاه مملو از عوامل اطلاعات می شود. در گیری به جایی می رسد که مجبور به شلیک گاز آتش آور می شوند.

سازمان جوانان حکمتیست از حرکت دانشجویانی که جسورانه در برابر

گورستان کردن دانشگاه توسط اسلامی ها ایستادگی کردند، حمایت می کند. لازم به یادآوری است که اگر چه انجمن اسلامی به اصطلاح خود را مخالف این حرکت می داند، اما نباید گول آنها را خورد. باید صف مستقل خود را از آنان جدا کرد. باید دست اینها را هر چه بیشتر رو کرد و این جماعت را در دانشگاهها منزوی کرد.

دانشجویان آزادیخواه! شما نشان دادید که می توانید در برابر اوباش بسیجی و حزب الهی که می خواهند به هر طریقی رنگ اسلامی به دانشگاه بپاشند مقابله کنید. اقداماتی از این دست نشان دهنده نفرت دانشجویان از حاکمیت جمهوری اسلامی و تمامی دم و دستگاه های ایدئولوژیک آن است. باید آگاه بود و در برابر اینان ایستاد. که شما این آگاهی و ایستادگی را نشان دادید.

سازمان جوانان کمونیست-حکمتیست

## محلات را قرق کنید!

## اوباش اسلامی را فراری دهید!

اطلاعیه سازمان جوانان حکمتیست

سألهای گذشته برگزار کرد. محلات را به کنترل خود در آورید. اوباش اسلامی را فراری بدهید. نگذارید بار دیگر عوامل رژیم فضای رعب و وحشت را بر جشن و شادی شما حاکم کنند. دست در دست هم همراه با خانواده هایتان فضایی شاد بیافریند. جمهوری ضد شادی و ضد آزادی میخواید عقبه را به عقب بر گردانند. هوشیار باشیم برگزاری جشن امسال یک تو دهنی به این تلاش مذبححانه رژیم وارد سازیم.



داشتن ساعاتی خوش به خیابان ها می آیند. در این به خیابان آمدن و رقصیدن خود به خود برخی جاها از دست رژیم خارج می شود. هیچ نیازی هم به شعار نیست. هر جایی که جوانان در آن مست هستند و دختر و پسر دارند با هم می رقصند به نظرم از دست رژیم خارج است. اما نباید خود را گول زد. این موضوع موقتی است و جوانی هم که به آنجا آمده برای شادی کردن آمده است و نباید ازش انتظار داشت که انقلاب کند!

با آرزوی چهارشنبه سوری خوش برای همه خوانندگان جوانان حکمتیست!



پرشور بار دیگر بی حقوقی زنان و ضرورت رهایی زن را به مساله جامعه تبدیل کرد. هیچوقت در تاریخ معاصر ایران مساله رهایی زن و مطالبات زنان چنین با شفافیت و شجاعت طرح نشده اند. جمهوری اسلامی صدها تن از اوباش و مزدوران خود را به میدان آورده بود تا زنان را محاصره و حرکت آنها را سرکوب کند، اما خود در محاصره وحشت از زنان آزادیخواه قرار گرفت. این تحرکات انقلابی نشان داد که رژیم اسلامی در مقابل حرکت شجاعانه زنان و مردان آزادیخواه تا چه حد بی حفاظ و شکننده است مساله زن به سیستم عصبی جمهوری اسلامی گره خورده است و هر درجه که تلاش زنان برای رهایی قدرتمند شود این سیستم عصبی در هم میریزد.

در ۸ مارس امسال رژیم اسلامی و مزدورانش در محاصره آزادیخواهی حق طلبی زنان قرار گرفتند. تلاش زنان در ۸ مارس امسال گوشه کوچکی از قدرت جنبش رهایی زن و جنبش انسان گرای معاصر در ایران برای تحقق آزادی و برابری بود. این هنوز چشمه کوچکی از سیلاب خروشان اعتراض زنان علیه ستم و مرد سالاری و قوانین اسلامی بود. این هنوز نوری در تاریکی بود اما نشان داد که رهایی زن در دستور جامعه و تحول انقلابی و انسانی قرار گرفته است. این حرکت انسانی روزنه امید به آینده ای است که در آن نکتت رژیم اسلامی و زن ستیزی محو خواهد شد. جنبش رهایی زن رکن مهمی از مبارزه مردم برای رفاه و آزادی و برابری و پایان دادن به فلاکت و جنگ و جهالت قومی و مذهبی در ایران است. تحرک زنان و آزادیخواهان در ۸ مارس امسال نشان داد که جنبش رهایی زن انسانی تر و قدرتمند تر از آن است که جریانات قومی و دست راستی بتوانند لباس قومی و ملی و سنتی به تن آن و سببیت و زن ستیزی با باتوم و تفنگ و ارباب و در سوی دیگر زنان با دست خالی اما سراسر رشادت و آزادیخواهی با فریادهای رهایی قرار داشتند.

در ۸ مارس امسال مساله زن جامعه را بار دیگر متوجه خود کرد، فریاد امر رهایی زن در جامعه منعکس شد، جامعه صدای انسانیت را از زنان آزادیخواهی شنید که خواستار تغییر جهان به نفع زنان و برای اشتغال بیمه بیکاری حق پوشش و لغو آپارتاید جنسی و برای برابری و رهایی بودند. قطعنامه های مراسم های ۸ مارس و سخنرانیهای



### کوروش مدرسی

دست قوانین خدا و نمایندگان او، جمهوری اسلامی در روی زمین در آورد. جشن های هرچه وسیعتر و شادتر، هرچه باز تر و علنی تر و ظاهر شدن هرچه آزاد تر برای چند روز هم که شده ما، یعنی انسانیت، را بر جمهوری اسلامی تحمیل خواهد کرد.

باشند تا سال ۱۳۸۵ را به سال بنیاد نهادن جامعه‌ای که در آن انسان، حق انسان، و شادی و سعادت انسان مینا است تبدیل کنیم.

زنده باد شادی مردم  
زنده باد آزادی و برابری  
زنده باد سوسیالیسم



به مراتب عظیم تر تبدیل کند. شادی، این پایه ای ترین و بدیهی ترین حق انسان، هیچگاه اینقدر دور از دسترس به نظر نمی آمد. دنیا هیچگاه اینقدر قابل شاد زیستن نبوده است و هیچگاه اینقدر برای اکثریت مردم جای محنت زائی نبوده است. انگار همه نیرو های تباهی و محنت دست اندر کارند تا دنیا را برای همه انسانهای شریف جهنم کنند.

اما نوروز روز امید، روز شادی است. نوروز باید روزی باشد که عزم میکنیم که به این تباهی، به این غم و اندوه، به این زندگی محنت بار روزی را به روز دیگر رساندن خاتمه بدهیم. مانند سال گذشته اعلام میکنیم که:

نوروز روز شادی، روز آرزوهای خوب، روز لباس نو و امید نو، روز امید به دنیای بهتر است. نوروز روز دهن غم و سیاهی است. نوروز جشن انسانیت، شادی و آرزوهای انسانی، مستقل از قومیت، رنگ، نژاد، مذهب و عقیده است. نوروز روز دهن جمهوری اسلامی سمبل غم و تباهی است. این روزها باید کنترل زندگیمان را از

## نوروزتان پیروز!

مردم آزادیخواه ایران!

از طرف حزب کمونیست کارگری-حکمتیست نوروزتان را تبریک میگویم.

امسال در شرایطی به استقبال نوروز میرویم که از یک طرف جمهوری اسلامی احمدی نژاد عصاره ارتجاع، عقب ماندگی و فقر خود را در مقابل جامعه قرار داده است و از طرف دیگر آمریکا همگام با دارودسته های قوم پرست و ماجراجو، هستی و جامعه ما را در مقابل یکی از خطرناک ترین لحظات تاریخ مان قرار داده اند. حمله آمریکا میتواند به مصیبت جمهوری اسلامی ابعاد دهشتناک تری بدهد. تهران را به بغداد دوم و ایران را به عراق دوم در ابعادی

## جلوه ای از جنبشی انسانگرا و انقلابی زنانه

### اعظم کم گویان

شجاعانه زنان و مردان آزادیخواه را سرکوب کند. در یک طرف نفرت و توحش و سببیت و زن ستیزی با باتوم و تفنگ و ارباب و در سوی دیگر زنان با دست خالی اما سراسر رشادت و آزادیخواهی با فریادهای رهایی قرار داشتند.

در ۸ مارس امسال مساله زن جامعه را بار دیگر متوجه خود کرد، فریاد امر رهایی زن در جامعه منعکس شد، جامعه صدای انسانیت را از زنان آزادیخواهی شنید که خواستار تغییر جهان به نفع زنان و برای اشتغال بیمه بیکاری حق پوشش و لغو آپارتاید جنسی و برای برابری و رهایی بودند. قطعنامه های مراسم های ۸ مارس و سخنرانیهای

جهانی دیگر ممکن است" و "صدای صدای رهایی زنان است" در ۸ مارس امسال نوک کوه یخ جنبش حق طلبی زنان در ایران را به نمایش گذاشت. زنان در مراسم ها و گردهمایی های کوچک و بزرگ در پارک ها و سالن های مختلف و در دانشگاهها و مراکز گوناگون اعلام کردند از این جهان بی حقوقی و فقر و بیعدالتی و خشونت بیزارند و عزم جزم کرده اند آن را تغییر بدهند. رژیم اسلامی که نتوانست مانع برگزاری مراسم های ۸ مارس بشود با سببیت به زنان آزادیخواه حمله کرد و تلاش کرد حرکت

## از این سایت ها دیدن کنید:

www.jawanx.com  
www.hekmatist.com  
www.oktoberr.com  
www.rahai-zan.org  
www.iran-tribune.com  
www.pasox.org

### تماس با ما

دبیر سازمان: جمال کمانگر  
jamalkamangar@yahoo.com  
تلفن: ۰۰۴۴۷۸۱۴۷۶۵۶۱۹

مردوبیر: فواد عبداللهی  
foadsjk@gmail.com  
تلفن: ۰۰۴۴۷۸۹۰۸۰۹۱۴۲

معاونت دبیر: نسیم رهنما  
nasimrahnamadk@yahoo.com  
تلفن: ۰۰۴۵۲۷۲۸۲۵۴۲

پیرام مدرسی  
bahramsjk@yahoo.com  
تلفن: ۰۰۴۹۱۷۴۹۴۴۰۲۰۱  
فاکس: ۰۱۲۱۲۱۰۲۲۳۶۱۳

مرگ بر جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!